



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نکوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخهء تفسیر توراہ ربای خیم شیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توراہ، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آن در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونهء زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توراہ

Shemini

Food for Thought

شمینی: خوراک فکر

نیمه دوم سفر خروج و بخش اول سفر لاویان یک روایت به دقت ساختمان را تشکیل می دهند. به نبی اسرائیل دستور داده شده که محرابی بسازند. آنها دستورا را اجرا می کنند. پس از این روایت قربانی هایی که باید آنجا پیشکش شوند می آید. سپس در بخش نخست پراشای این هفته، کوهنیم یا کاهنان، به این کار گماشته می شوند.

اما آنچه پس از این رخ می دهد، نامنتظره است: قوانین خورد و خوراک ارائه می شوند: فهرستی از انواع حلال و حرام چرپایان، ماهیان و پرندگان. منطق این قوانین چیست؟ و چرا در اینجا آمده اند؟ ارتباط آنها با محراب چیست؟

زنده یادربای الی مانک دیدگاه درخشانی دارد.¹ چنانکه پیشتر در همین مطالعات گفته ایم، محراب متناظری برای کائنات بود. چندین کلیدواژه در روایت توراتی ساختن آن همچنین کلیدواژه های روایت آفرینش در ابتدای سفر پیدایش هستند. تلمود (مقیلت ۱۰ب) درباره کامل شدن محراب می گوید: "آن روز در بزرگه خداوند متعال و متبرک مانند روزی بود که گویی آسمان و زمین آفریده شده بودند. جهان خانه ای است که خدا برای انسان آفرید. محراب خانه ای بود که انسان برای خدا ساخت."

¹ The Call of the Torah, vol. 2, p. 99

ربای مانک به ما یادآور می شود که نخستین فرمان خدا به انسان یک فرمان مربوط به خوردن بود: "آزاد هستی که از هر درختی در باغ بخوری؛ اما نباید از درخت معرفت به نیک و بد بخوری، زیرا وقتی که از آن بخوری بی تردید خواهی مُرد." قوانین غذایی در پراشای شمیانی مولزی هستند با دستوری که به آدم داده شد. مانند آن زمان اینک دوره جدیدی در تریخ روحانی بشر آغاز می گردد که پس از کنش آفرینش اجرا شده بود و ویژگی آن قوانینی است در مورد خوردن و نخوردن چیزها.

چرا؟ مانند آمیزش جنسی، خوردن نیز از کنش های اولیه است که در شکل های گوناگون حیات اجرا می شود. بدون آمیزش جنسی تداوم انواع وجود نخواهد داشت. بدون غذا حتی یک نفرزنده نمی ماند. اینها بنابر این مورد توجه فرهنگ های گوناگون بوده اند. از یک سو فرهنگ های لذت پرستی هستند که در آنها غذا و آمیزش جنسی مانند لذت دیده و اجرا می شوند. از سوی دیگر، فرهنگ های ریاضت کشانه همراه پرهیز از آمیزش جنسی نزد راهبان که خوردن در حداقل انجام می شود. اولی روی جسم تکیه دارد و دومی روی روح. برعکس، یهودیت، موقعیت انسانی را از دریچه همگرایی و تعادل نگاه می کند. ما هم جسم و هم روح هستیم. از این روی دستورهای یهودیت نه لذت پرستانه و نه ریاضت کشانه، بلکه دگرگون ساز هستند. به ما دستور داده شده که تقدس کنش های خوردن و آمیزش جنسی را حفظ کنیم. از اینجا قوانین خورد و خوراک و قوانین طهارت خانواده (نیدا و میقوه) جریان می یابند که دو عنصر کلیدی قدوشا یا زندگی همراه با تقدس هستند.

اما می توانیم بیشتر برویم. باب اول پیدایش تنها روایت خلق در تنخ نیست. چندین روایت دیگری هم هستند. یکی در فصول آخر کتاب ایوب آمده که توجه کافی به آن ضروری است.

ایوب نمونه صدیقی است که به رنج دچار می شود. او بی هیچ دلیل آشکری همه دلاری خود را از دست می دهد. دوستانش به او می گویند که باید گناهی کرده باشد. تنها چنین چیزی بیانگر عدالت در سرنوشت او می تواند باشد. ایوب روی بیگناهی خود تأکید می کند و درخواست تجدیدنظر در دادگاه الهی دارد. طی حدود ۳۷ باب جدل بالا می گیرد، سپس در باب ۳۸ خدا از میان گردباد ایوب را خطاب قرار می دهد. خدا هیچ جوابی نمی دهد. برعکس، در ۴ باب بعدی پرسش هایی درباره خودش مطرح می کند، که هیچ پاسخی ندارند:

کجا بوده وقتی که من زمین را روی اساس آن قرار دادم؟... آیا در چشمه های آب اقیانوس سفر کرده ای یا اعماق مگاک را پیموده ای؟... آیا بران پدري دارد؟... از زهدان چه کسی یخ بیرون می آید؟

خدا به ایوب کل گستره آفرینش را نشان می دهد، اما این منظره ای بس متفاوت از دنیا و آنچه در پیدایش ۱-۲ گفته شد، است. آنجا مرکز روایت، انسان یعنی آخرین خلقت است؛ به صورت و شباهت خدا آفریده شده؛ به او تسلط بر همه شکل های حیات داده شده است. در ایوب ۳۸-۴۱ ما مرکزی انسانی نداریم، بلکه مرکز، خدا است. ایوب تنها فردی است در تنخ که دنیا را آن گونه که هست از دید خدا می بیند.

این باب ها که بسیار تکان دهنده هستند با قلمروی جانوری کار دارند. آنچه ایوب می بیند جانوران خانگی نیستند، بلکه وحوش و مخلوقات مهارناپذیر و غول آسای هستند که قدرت و زیبایی شکوهمند دارند و بس دوردست، یکسره بی تفاوت نسبت به انسان زیست می کنند:

آیا قوت اسب را تو به او داده ای؟ یا تو گردنش را با یال پوشانیده‌ای؟ آیا تو به او توانایی بخشیدهای تا چون ملخ خیز بردارد و با شیه های مهیبش ترس ایجاد کند؟ بین چگونه سم خود را به زمین می کوبد و از قدرت خویش لذت می برد. هنگامی که به جنگ می رود نمی هراسد؛ تیغ شمشیر و رگبار تیر و برق نیزه او را به عقب بر نمی گرداند. وحشیانه سم بر زمین می کوبد و به مجرد نواخته شدن شیپور حمله، به میدان کارزار یورش می برد. با شنیدن صدای شیپور، شیهه برمی آورد و بوی جنگ را از فاصله دور استشمام می کند. از غوغای جنگ و فرمان سرداران به وجد می آید.

این ها انقلابی ترین بخش های تنخ هستند که در آنها انسان مرکز جهان نیست. به ما می گویند که انسان مرکز جهان نیست و ما مقیاس همه چیز نیستیم. برخی از شکوهمندترین سویه های طبیعت هیچ ربطی به نیازهای انسان ندارند و همه چیز به گوناگونی خلقت خدا برمی گردد. یکی از اندک شمار متفکران یهودی که این مفهوم را بیان می کند، موسی بن مایمون [هارامبام] است:

من این دیدگاه را درست ترین و هماهنگ ترین دیدگاه با آموزه های تورات و نتیجه گیری های فلسفی می دانم: جهان فقط برای انسان وجود ندارد، بلکه هر موجودی به خاطر خودش وجود دارد و نه به خاطر چیزی دیگر. پس ما به آفرینش اعتقاد داریم و با این حال نیازی نداریم به پرسش پیرامون این که هر نوع و موجود چه هدفی دارد، زیرا بر آنیم که خدا همه اجزای جهان را با اراده خود آفریده است؛ برخی را برای خاطر خود آنها و برخی را برای خاطر چیزهای دیگر... راهنمای سرگشتگان جلد سوم بخش ۱۳.

و در جای دیگر:

بنگر که چه گسترده است ابعاد و چه پرشمارند این اجرام. اگر کل زمین حتی کوچکترین جزء مدارهای ستارگان ثابت نیست، پس انسان ها با این اجرام آسمانی چه تناسبی دارند و چگونه کسی می تواند گمان کند که آنها به خاطر ما وجود دارند و ابزارهای مورد استفاده ما هستند؟ راهنمای سرگشتگان جلد سوم، بخش ۱۴.

و اینک درمی یابیم که در منع خوردن برخی جانوران، ماهی ها و پرندگان چه حکمتی وجود دارد. بسیاری از آنها جانوران شکرچی هستند، مانند جانورانی که در ایوب ۳۸-۴۱ توصیف شده اند. آنها برای خاطر خودشان وجود دارند و نه برای خاطر انسان ها. جهان گسترده و خودزمین با بیشمار انواع خود حرمتی برای خود دارد. بله، پس از توفان نوح خدا به انسان ها اجازه خوردن گوشت داد، اما این فقط از روی عقب نشینی بود، مانند آنکه گفته شود: اگر لازم است بکش، اما بگذار جانورانی را بکشی و نه انسان ها را.

خدا با عهد خود با بنی اسرائیل بشریت را دعوت به شروع فصل جدیدی در تاریخ کرد. این هنوز باغ عدن یا بهشت بازیافته نیست. اما با ساخت محراب همچون نماد حضور الهی بر روی زمین، فسه ای نوین آغاز شد. یک نشانه آن این است که بنی اسرائیل اجازه کشتن همه شکل های حیات برای خوردن را نداشتند. برخی انواع باید حفاظت شوند، آزاد باشند و حرمت آنها حفظ شود و دستخوش مطامع و امیال انسان ها نباشند. آفرینش جدید، یعنی محراب، حرمت نوینی به آفرینش قدیمی می بخشد، به ویژه در مورد جانوران وحشی و اهلی نشدنی. همه چیز در جهان برای مصرف انسان خلق نشده است.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیرین دخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved